

نقض حقوق زن در نقش همسری: مواجهه واقع‌گرایانه زنان با مسئله تضییع حقوق خود

مریم رحیمی سجاسی*

عبدالحسین کلانتری**، طوبی شاکری گلپایگانی***

چکیده

تأمل در مصادیق شرعی حقوق زن در نقش همسری، معرف مصادیقی از حقوق زن است که در جامعه کمتر شناخته شده است. به طوری که به نظر می‌رسد در ارتباط با این مسئله، در منابع سه گانه شرع، عرف و قانون، نوعیناهم‌سازی و شکاف وجود دارد. مقاله حاضر با ادعان به پیچیدگی و ذو ابعاد بودن دلایل این تعارض، در نظر دارد از منظر رویکرد روانشناسی اجتماعی، نقش زنان را در این زمینه مورد مطالعه قرار دهد. به این منظور ۳۰ زن ساکن استان تهران که سابقه زندگی زناشویی داشتند، از حیث چگونگی مواجهه با تضییع حقوق خویش مورد مصاحبه قرار گرفتند. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل تماتیک، به استخراج پنج تم محوری خودخاموشی، درماندگی آموخته شده، زنانگی فراشرعی، خانواده مداری و اخلاق مداریانجامید که مانع مطالبه گریزنان شده بود. براین اساس زنان با ادراکتوانایی‌های فردیخویش، خلیقیات شوهر و شرایط فرهنگی - اجتماعی جامعه، با اتخاذ رویکرد واقع‌گرایی از مطالبه حقوق شناخته شده خود ممانعت کرده و در تضییع حقوق زن و تثبیت وضعیت موجود مشارکت می‌ورزند.

* دکترای گروه مطالعات زنان، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، mrahimi.sajasi@gmail.com

** دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، ایران (نویسنده مسئول)، abkalantari@ut.ac.ir

*** استادیار گروه مطالعات زنان، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، t.shakeri@modarse.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۱۸

کلیدواژه‌ها: حقوق زن، واقع‌گرایی، زنانگی فراشرعی، ناهماهنگی شناختی، درماندگی
آموخته شده، خودخاموشی.

۱. مقدمه و بیان مسئله

در پی وقوع نکاح و ایجاد رابطه زوجیت بین زن و شوهر، حقوق و تکالیفی برای طرفین ایجاد می‌شود که بعضی از اقسام آن بین زوجین مشترک بوده و بعضی اختصاص به زن یا شوهر دارد. (صفائی و امامی، ۱۳۸۹: ۱۲۱) (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶: ۱۵۸) در این میان حقوق مختص زن مجموعه امتیازاتی است که برای زنان در رابطه زوجیت در نظر گرفته شده و در منابع حقوقی با عناوین حقوق مالی و غیر مالی (شخصی) درباره آن بحث شده است. (گرگی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۷۵ و ۲۱۳) (کاتوزیان، ۱۳۹۳) اما این عناوین همه مصادیق شرعی حقوق زن را دربر نمی‌گیرد. زیرا تأملات فقهی در ارتباط با حقوق زن در نقش همسری، توجه‌شمار به مصادیق بیشتری از حقوق زن را نشان می‌دهد، (رحیمی سجاسی و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۱-۳۲) به طوری که در قیاس با قوانین مکتوب و عرف غیر مکتوب حاکم بر جامعه، نوعی ناهمسازی و شکاف در این زمینه احساس می‌شود. به عنوان مثال بسیاری از مصادیق شرعی حقوق زن (حق قسم، حق داشتن فرزند و ...) با وجود شرح و بسط آن در کتب فقهی، در فرهنگ توده و حتی فرهنگ نخبه، مجال بروز و ظهور نیافته است. حتی آن قسم از مصادیق حقوق زن که در قوانین کشور، رسمیت یافته و مورد توجه جوامع علمی قرار گرفته نیز در هنجارهای حاکم بر جامعه از جایگاه مناسبی برخوردار نیست. به عنوان مثال با وجود تأکید اسلام بر حق الناس و تخصیص موادی از قانون مدنی به حقوق مالی زن (ارث، مهریه، نفقه و ...) در مواردی این حقوق حتی توسط دینداران و متشرعین نیز تأمین نمی‌شود. (معدلت، ۱۳۸۶ و مقصودی، ۱۳۹۰) تا جایی که به نظر می‌رسد آنچه مانع احقاق حقوق زن شده، نبود قانون نیست، بلکه عرف و هنجارهای تبعیض آمیز حاکم بر جامعه است. (yassari, 2002-2003) با این وجود برخی از تحقیقات مرتبط با مسائل زنان ریشه مشکلات موجود را به وجود احکام مردسالارانه در اسلام، نبود اجتهادات نو، دوری از قوانین بین‌المللی و نپیوستن به کنوانسیون‌های جهانی نسبت داده‌اند. (کلدی و اصل زعیم، ۱۳۸۶) در حالی که حتی در کشورهایی که قوانین سکولار جایگزین قوانین شرعی شده و کنوانسیون‌های جهانی مورد پذیرش قرار گرفته نیز، هنجارهای عرفی مانع دستیابی زنان به حقوقشان شده است. (Ilkharacan, 1998) بنابراین اگرچه حقوق زنان به دلایل مختلف از جمله

ابهام یا کاستی در قوانین، ضعف عملکرد دستگاه قضایی، کوتاهی مردان در روابط زناشویی و ... تضييع می‌گردد، اما آنچه بیش از قوانین و عملکرد قضات، در احقاقی یا تضييع حقوق زنان تعیین‌کننده است، هنجارهای فرهنگی حاکم بر جامعه است که از طریق جامعه‌پذیری، مطالبه‌گری زنان، نوع عملکرد مردان در روابط زناشویی و حتی تفسیر قضات و وکلای از قوانین را تحت تأثیر قرار داده است.

به همین نحو سایر تحقیقات موجود در زمینه شکاف واقعیت و حقوق، یکی از دلایل این شکاف را نبود آگاهی نسبت به حقوق مطرح کرده‌اند. (عبدی و کلهر، ۱۳۷۱) به این صورت که اقسام متعدد حقوق شرعی زن (بر اساس کتاب، سنت، اجماع، عقل، اصول و قواعد حاکم بر حقوق خانواده) یعنی حق دینداری، حق آزادی در رفت و آمد، حق داشتن فرزند، حق سلامتی، حق کسب معرفت، حق جنسی، حق قسم، حق کرامت، حق وفاداری، حق مشورت، مهریه، نفقه، اجرت‌المثل، اجرت رضاع و استقلال مالی (رحیمی سجاسی و دیگران، ۱۳۹۸) و شرایط استیفاء آن برای بسیاری از زنان شناخته شده نیست، به این دلیل حقوق آنها نقض می‌شود. اما عدم اهمیت کسب اطلاعات حقوقی برای زنان (قاسمی و عمرانیان، ۱۳۹۱) از یک سو و دو طرفه بودن رابطه حقوقی و گرفتنی بودن حق از سوی دیگر، این فرضیه را به ذهن متبادر می‌سازد که شاید زنان در مطالبه‌ی حقوق خویش در نقش همسری کوتاهی داشته‌اند. زیرا شکل‌گیری رابطه حقوقی مشروط به مشارکت دو طرف است و بهره‌مندی زنان از برخی مصادیق حقوق، منوط به مطالبه آنها است. به طوری که عدم بیان خواسته‌ها توسط زن، بهانه بی‌اطلاعی از نیاز وی را در شوهر تقویت و بسترساز تضييع حقوق زن می‌شود.

با این وجود، قدمت و شهرت برخی از اقسام حقوق زن در قوانین مکتوب و عرف حاکم بر جامعه مانند مهریه، نفقه و ... و تحصیلات و صبغه خانوادگی عده‌ای از زنان که آگاهی آنها از مصادیق شرعی و قانونی حقوق زن را به دنبال دارد، این سؤال را به ذهن متبادر می‌سازد که چرا این دسته از زنان در مطالبه حقوق شناخته شده خود کوتاهی می‌کنند؟ آن دسته از اقسام حقوق زن که در قانون به صراحت آمده و مطالبه آن از حیث قضائی امکان‌پذیر است، در ارتباط با زنانی که از امکانات لازم برای مطالبه حقوق (امکانات مالی، قدرت چانه‌زنی و ...) برخوردارند، چرا همچنان تضييع می‌شود؟

البته این مقاله ادعا دارد که درباب مسئله شکاف عرف و شرع در ارتباط با حقوق زن، عوامل گوناگون اجتماعی، قانونی و روانی دخیل است، اما به دلیل محدودیت‌های ارائه

نتایج پژوهش در قالب مقاله، در این اثر عوامل بیرونی عامدانه نادیده گرفته شده و تنها نقش زنان از منظر روانشناسی اجتماعی بررسی شده است. بنابراین تبیین اینکه چرا زنان با وجود آگاهی از مصادیق شناخته شده حقوق و برخورداری از امکانات لازم برای مطالبه آن، عملاً اقدامی انجام نمی دهند و کدام ملحوظات مانع مطالبه گری آنها می شود، هدف اصلی این مقاله است. براین اساس مقاله حاضر با هدف شناخت جایگاه زنان در تضييع حقوق خویش، درصدد بررسی این مسئله است که زنان در حیطه نقش همسری، ناهمسازی میان الزامات عرفی و حقوق شرعی را چگونه مدیریت می کنند؟ البته لازم به ذکر است که یافته ها ماهیت موقعیتی داشته و از تعمیم آماری کمی برخوردار نیستند.

۲. ادبیات نظری - مفهومی پژوهش

تحقیق کیفی، نقطه شروع خود را تئوری خاصی قرار نمی دهد و خود را درگیر کاربرد تئوری رسمی^۶ نمی کند. زیرا در بسیاری از مواقع یا تئوری رسمی وجود ندارد و یا تئوری های موجود قانع کننده نیستند. براین اساس در دیدگاه کیفی، آنچه اهمیت دارد، دیدگاه سوژه و درک وی از دنیای اجتماعی است. یعنی محقق ناگزیر است به صورت استقرایی و با جمع آوری داده ها کار خود را آغاز کند. تا امکان دستیابی به تئوری یا فرضیات جدید را پیدا کند. بنابراین استفاده از تئوری بیشتر از آنکه مبنایی و از ابتدای کار باشد، استنادی و تطبیقی است. (صادقی فسایی، ۱۳۹۰)

در مقاله حاضر بعد از ورود به میدان تحقیق، در حین مصاحبه و کدگذاری های اولیه مشخص شد که زنان به فراخور شناخت واقعیت، تغییراتی را در نگرش و رفتار خود به وجود می آورند که درک و تحلیل این تغییرات، مستلزم تسلط محقق به نظریات روانشناسی اجتماعی است. به این دلیل با مراجعه به ادبیات نظری فرایندهای تغییر نگرش و رفتار در حوزه روانشناسی اجتماعی، از نظریه درماندگی آموخته شده (Learned helplessness) و خودخاموشی (Self-silencing) با هدف تقویت حساسیت نظری و درک عمیق تر مسئله، استفاده شد. در نهایت برخی از مفاهیم این نظریات در آخرین سطح کدگذاری مورد استفاده قرار گرفتند، که در ادامه به آن اشاره می شود.

۱.۲ درماندگی آموخته شده سلیمان (Seligman)

درماندگی آموخته‌شده به شرایطی اشاره دارد که در آن افراد بر اساس تجربیات گذشته به این نتیجه می‌رسند که کوشش آنها با پیشرفت همراه نیست و آنها هر کاری انجام می‌دهند به موفقیت دست نمی‌یابند. درماندگی آموخته‌شده در مفهوم کلیه معنای ادراک کنترل نداشتن بر وضعیت موجود است و در نتیجه ی اعتقاد فرد مبنی بر اینکه رویدادها در کنترل وی نیستند، ایجاد می‌شود. این احساس فقدان کنترل منجر به کاهش انگیزش و بی‌میلی پایدار در فعالیت‌های فرد می‌گردد و معرف منفی‌ترین حالت درک از خود است. (Seligman: 1975)

به اعتقاد سلیمان، افراد یک‌ه‌در شرایط آزارنده کنترل‌ناپذیر قرار می‌گیرند، می‌آموزند که هیچ‌چیزی از سوی آنها به تعدیل رفتار عشا‌ریات نامطلوب نمی‌انجامد و باید کاین امر کپیامد به رفتار و ابست‌نیستاز هر نوع تلاشیدست می‌کشند. (کلانتری و دیگران، ۱۳۸۰) در نتیجه تقایص عاطفی (غمگینی، اضطراب و خصومت)، عزت نفس پایینو افسردگی در آنها ظاهر می‌شود. (Seligman: 1976) درماندگی آموخته‌شده در ابتدا برای تبیین افسردگی مطرح شد اما امروزه در حیطه‌های متنوع آموزشی، شناختی، عاطفی، اجتماعی و شغلی مطرح است. در مورد موضوع این مقاله، به نظر می‌رسد کاهش مطالبه‌گری و یا مباشرت زنان در تضمین حقوق خود، با استفاده از این مفهوم قابل توجیه است.

۲.۲ خودخاموشی‌چک (Jack)

خودخاموشی به معنای وجود شکاف بین آن چیزی است که فرد احساس می‌کند و می‌خواهد، با آن چیزی که می‌گوید و یا عمل می‌کند. (Gilligan, 2010: 11) مفهوم خودخاموشی انگاره‌های رابطه‌ای و شناختی را در بر می‌گیرد. به این شکل که در سطح رابطه‌ای، فرد رفتارهایی مانند از خودگذشتگی را نشان می‌دهد و در سطح شناختی، به منظور ایجاد و حفظ روابط صمیمی و ایمن، احساسات خود را سرکوب می‌کند. (Jack, 2011)

(524) البته خودخاموشی یا «ساکت کردن خود» در زنان نه یک انتخاب فردی، بلکه اجباری برآمده از دل فرهنگ پدرسالاری است. زیرا زنان نمی‌توانند از این خودخاموشی تخطی کنند. (Gilligan, 2010: 10) هویت زنان بر مبنای میزان پذیرش آنان در دنیای مردمحور ساخته شده، در نتیجه هنگامیکه از هنجارهای مسلط فاصله می‌گیرند، در وهله‌ی اول این خودشان هستند که احساس و ارزیابی منفی‌ای نسبت به خود دارند. تضادهای درونی زنان در مورد اینکه چگونه باید باشند، منجر به ایجاد خودِ دوگانه و تقسیم شده در آنان می‌شود (آنچه

هستند و آنچه باید باشند یا خودایده آل و خودواقعی) و این تقسیم بندی خود، مبنای اصل خودخاموشی در زنان می‌گردد. (Jack, 2010 : 5) مفروض اصلی این نظریه، تحلیل روابط صمیمی زنان، جهت تبیین افسردگی آنها بوده است. اما در مقاله حاضر از مفهوم خودخاموشی برای توصیف عدم مطالبه‌گری زنان در حیطه حقوق شرعی استفاده شده است.

۳. روش پژوهش

مسئله نقض حقوق شرعی زن در نقش همسری، جزء موضوعاتی است که کمتر مورد توجه محققان بوده و اطلاعات چندانی در مورد آن وجود ندارد، ضمن اینکه ماهیت مسئله‌ی مواجهه زنان با نقض حقوق خود، پیچیده، چندبعدی و متأثر از تعامل با دیگران است. به این دلیل و با توجه به ماهیت اکتشافی این پژوهش، در مقاله حاضر از روش کیفی و شیوه تحلیل تماتیک استفاده شده است. تحقیقات کیفی در کشف عرصه‌هایی از زندگی که درباره آن آگاهی‌های لازم وجود ندارد و همچنین در درک ماهیت حقیقی پدیده از دریچه نگاه افراد کارایی دارند. (اشتراوس و کرین، ۱۳۹۲: ۳۳) بنابراین اطلاعات لازم برای تحلیل مواجهه‌ی زنان با مسئله نقض حقوق خود، که مستلزم ورود به صحنه زندگی واقعی و تأمل بر تجربیات زنان است، از طریق ابزار مشاهده و مصاحبه جمع‌آوری شده و با روش تحلیل تماتیک، تبیین شده است.

مشارکت‌کنندگان این مطالعه، زنان ساکن استان تهران هستند که در زمان انجام مصاحبه، متأهل بوده و یا تجربه زندگی زناشویی داشته‌اند. زنان مصاحبه‌شونده در وهله اول با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، انتخاب شدند. به این صورت که ویژگی‌های جمعیت مورد علاقه مشخص و سپس افراد واجد این مشخصات گزینش شدند. برای بهره‌مندی از تجارب متنوع، نمونه‌هایی با رعایت حداکثر تنوع مد نظر قرار گرفتند، یعنی زنانی با ویژگی‌های دموگرافیک متنوع (مانند سن، تحصیلات، قومیت، اعتقادات دینی، طبقه اجتماعی - اقتصادی و ...) که تجربه متفاوتی از احقاق یا تزییع حقوق داشتند. در ادامه بر اساس مفاهیم در حال تکوین، نمونه‌گیری نظری^۷ بر مبنای کشف حداکثر گوناگونی‌ها و غنای ابعاد مقوله‌ها صورت گرفت و در نهایت براساس معیار اشباع نظری مفهومی یعنی هنگامی که انجام مصاحبه جدید به تولید داده جدید منجر نشد (اووه، ۱۳۸۸) مصاحبه‌ها پایان پذیرفت. در نهایت تعداد ۳۰ زن (۳ زن مطلقه، ۲ زن مطلقه با تجربه ازدواج مجدد، ۵

زن با تجربه طلاق عاطفی و ۲۰ زن در حال زندگی زناشویی) در بازه زمانی تیر ۱۳۹۶ الی شهریور ۱۳۹۷ مورد مصاحبه قرار گرفتند، که از این میان ۶ نفر دارای مدرک دکتری، ۶ نفر ارشد، ۵ نفر لیسانس، ۴ نفر حوزوی، ۵ نفر دیپلم، ۳ نفر سیکل و ۱ نفر ابتدایی بودند. حداقل و حداکثر سن زنان مصاحبه‌شونده‌ها ۲۰ و ۶۸ سال و طول مدت زندگی زناشویی آنها از ۱ تا ۵۰ سال متغیر بود.

در گردآوری داده‌ها از ترکیب تکنیک‌های مشاهده (Observation)، مصاحبه عمیق (Unstructured Interview) و مصاحبه نیمه ساخت یافته (Semi-structured Interview) استفاده شد. (کوربین و اشتراوس، ۱۳۹۶: ۴۵) مصاحبه‌ها به صورت حضوری و در مکان‌های مختلف از جمله، منزل، محل کار، محل تحصیل، پارک و ... صورت گرفت. زمان مصاحبه نیز بسته به حوصله و اطلاعات مصاحبه‌شونده‌ها از ۲۵ دقیقه تا ۱۵۰ دقیقه نوسان داشت. همزمان با جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل آنها نیز انجام شد. مراحل تحلیل داده‌ها براساس شیوه تحلیل تماتیک ولکات (Wolcott) صورت گرفت.

تحلیل تماتیک عبارت است از تحلیل مبتنی بر استقرای تحلیلی که در آن محقق از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون داده‌ای و برون داده‌ای به یک سنخ‌شناسی تحلیلی دست می‌یابد. (محمدپور، ۱۳۹۰: ۶۷) در تحلیل تماتیک محقق به دنبال الگویابی در داده‌ها است و یک سری مراحل متعارف دنبال می‌شود. ولکات (۲۰۰۸) فرایند تحلیل داده‌ها را شامل سه مرحله عمومی توصیف، تحلیل و تفسیر در نظر می‌گیرد. در مرحله توصیف داده‌ها در یک نظم و پیوستار زمانی قرار می‌گیرند، که این نظم می‌تواند بر اساس نظر محقق و یا مشارکت‌کننده در تحقیق باشد. در مرحله تحلیل، داده‌ها سازماندهی، تنظیم و مقوله‌بندی می‌شوند و در مرحله تفسیر که آخرین مرحله است تفسیرهای اصلی صورت گرفته و مقوله‌های اصلی استخراج می‌شوند. بر این اساس در پژوهش حاضر در ابتدا متن هر مصاحبه چند بار خوانده شد و سپس کدهای اولیه استخراج گردید. بدین صورت که واژه‌ها، عبارات کلیدی و نکات برجسته شرکت‌کنندگان در قالب کدهای توصیفی (مصادیق) مشخص و برجسته‌گذاری شد. در مرحله بعد که تحلیل در سطح بالاتر و با انتزاع بیشتر صورت گرفت، کدهای اولیه به شکل کدهای تحلیلی مورد بازنگری قرار گرفت و پس از اصلاح با رویکرد مقایسه‌ای به صورت کدهای تفسیری (مضامین) مشخص و تعریف شد. (محمدپور، ۱۳۹۲: ۶۸-۶۹) در نهایت مولفه‌های چگونگی مدیریت ناهمسازی الزامات عرفی و حقوق شرعی، بر اساس تجربیات زنان

مصاحبه شونده و ادبیات نظری - مفهومی پژوهش در پنج تم محوری تلخیص و استخراج گردید.

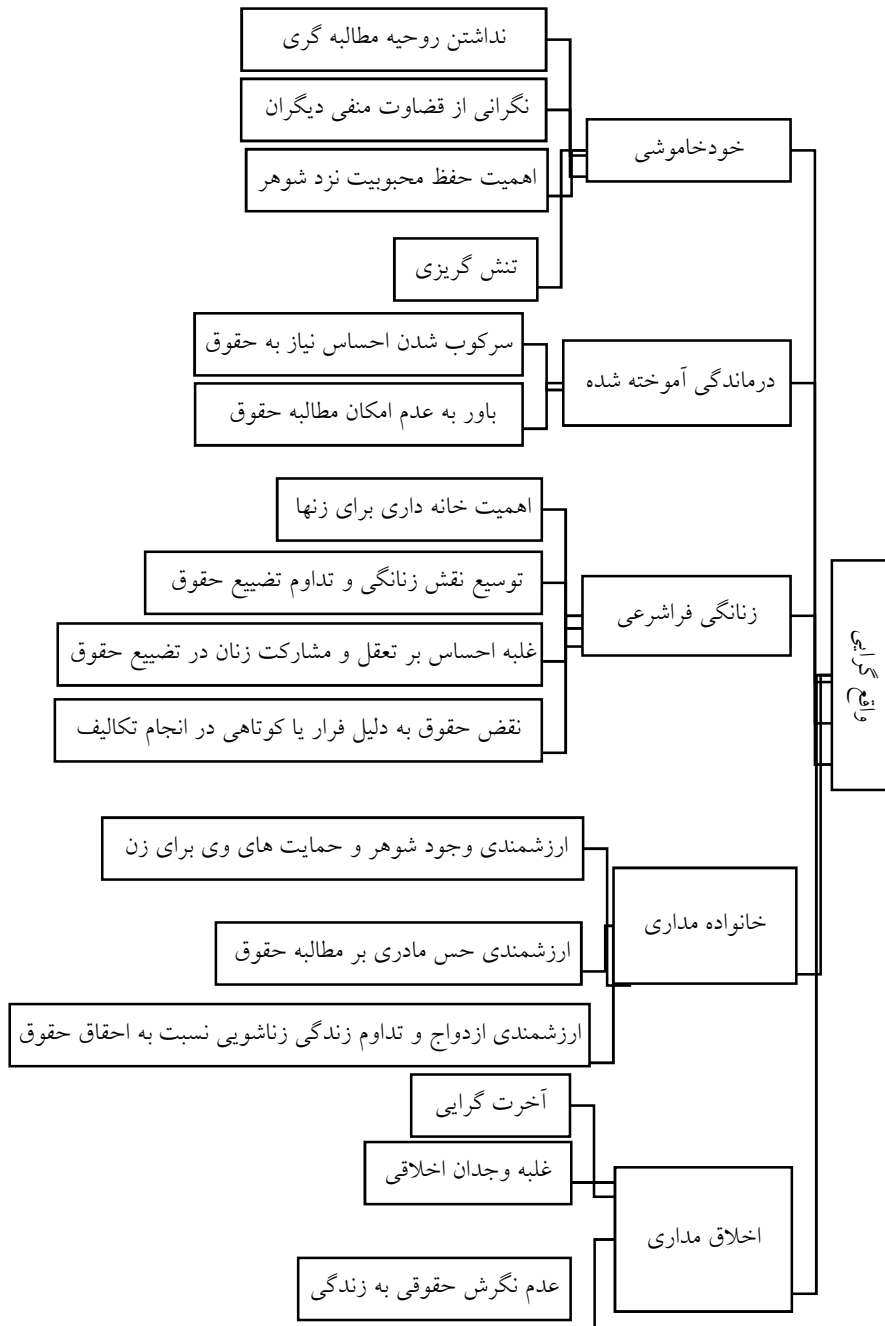
۴. یافته‌های پژوهش

زنان مشارکت‌کننده در این پژوهش اگرچه از نظر سن، تحصیلات، طبقه اجتماعی و اعتقادات مذهبی از تنوع قابل توجهی برخوردار بودند اما عموماً اطلاعات کمی درباره حقوق انسانی و عاطفی زن داشتند. با این وجود عموم مصاحبه‌شوندگان از مصادیق حقوق اقتصادی یعنی مهریه و نفقه مطلع بوده و خواص مصاحبه‌شوندگان که از سابقه تحصیلات حوزوی و یا حقوقی برخوردار بودند، اقسام بیشتری از حقوق زن را می‌شناختند. اما بررسی تجربیات زن‌ها پیرامون تضييع حقوق بیانگر این است که زنان با هر میزان از آگاهی، در مواجهه با تضييع و یا مطالبه حقوق خویش رویکرد واحد «واقع‌گرایی» را اتخاذ کرده‌اند.

واقع‌گرایی (Realism) اعتقاد به اصالت واقعیت خارجی و پایبندی مطلق به آن است. واقع‌گرایان معتقدند جهان خارج، مستقل از ادراک انسان، وجود دارد و به واقعیت، آنگونه که درک می‌شود، پایبندند. بنابراین واقع‌گرایی، نوعی سازگاری با موقعیت کنونی است که در آن، همه چیز به صورت عینی درک و مسیر حرکت شناسایی می‌شود، مسیری که در آن آرزوها و آرمان‌ها جایی ندارند. (هاگس و دیگران، ۱۳۸۸) براین اساس «واقع‌گرایی» در زن‌ها به خصوصیتی اشاره دارد که به واسطه آن زنان همواره واقعیت را در هر آنچه بدان می‌اندیشند و عمل می‌کنند، در نظر می‌گیرند و بین چیزی که به طور هیجانی تجربه شده و چیزی که بطور واقعی وجود دارد، تفکیک قائل می‌شوند. اگرچه فی‌نفسه قدرت تشخیص واقعیت و اجتناب از بروز خطاهای مربوط به ادراک، بیانگر شایستگی زنان در شناخت و درک محیط اطراف است، اما از آنجا که آنها را به سکون و پذیرفتن شرایط موجود، سوق می‌دهد، قابل تأمل است. آنها اگرچه از توانایی‌های فردی، موقعیت اجتماعی و از امکان رسیدن به اهداف شان درکی واقع‌بینانه دارند، اما به دلیل نگاه انضمامی به مسائل، از طرح خواسته‌ها و تلاش برای تغییر شرایط اجتناب می‌ورزند و به وضعیت موجود به عنوان یک اصل ثابت می‌نگرند. به این دلیل گاهی با «خودخاموشی» و «درماندگی آموخته شده» از بیان خواسته‌های خود ممانعت می‌کنند و گاهی با «زنانگی فراشرعی» در نقض حقوق خویش مشارکت می‌کنند. البته در این میان زنانی دیگر با رویکرد «خانواده‌مداری» و یا

روحیه «اخلاق مداری» به تثبیت وضعیت موجود کمک می‌کنند. به این صورت که به دلیل ارزشمندی حفظ کانون خانواده و یا اهمیت آرامش ابدی، رضایتمندانه با شرایط موجود سازگاری نشان داده و از وضعیت خود شکایتی ندارند.

در ادامه چگونگی شکل‌گیری مفهوم واقع‌گرایی بر مبنای تم‌های سازنده آن (شکل ۱) و مصادیق تم‌های سازنده واقع‌گرایی بر مبنای صحبت‌های مشارکت‌کنندگان مورد شرح و بسط قرار می‌گیرد.



شکل ۱: مفهوم سازی واقع‌گرایی بر مبنای تم‌های پنج‌گانه

۱.۴ خودخاموشی

خودخاموشی بیانگر موقعیتی است که در آن زنان آنچه را که دوست دارند انجام نمی‌دهند و به خاطر قضاوت و یا رضایت دیگران، بدون احساس رضایت قلبی گفتار و رفتار دیگری را نشان می‌دهند. مولفه‌های سازنده آن عبارتند از:

۱.۱.۴ نداشتن روحیه مطالبه‌گری

یکی از مصادیق خودخاموشی، نداشتن روحیه مطالبه‌گری است. به این شکل که زنان به دلیل ویژگیهای ذاتی و یا اکتسابی، از مطالبه حقوق، شرم داشته و مطالبه‌گری را مغایر با شئون خود ارزیابی می‌کنند. در نتیجه از دست‌یابی به حقوق خود محروم می‌شوند. سخت بودن مطالبه‌گری، دون‌شان دانستن مطالبه‌گری، نداشتن جسارت یا حوصله مطالبه حقوق، خجالت کشیدن و کوتاه آمدن، مفاهیم مختلفی هستند که ابعاد مختلف نداشتن روحیه مطالبه‌گری را شرح می‌دهند.

مصاحبه‌شونده ۹ (۳۸ ساله و لیسانس علوم سیاسی) در مورد نقض حق سلامتی خود می‌گوید: «نه، بابا اصلاً روم نمی‌شه... یعنی.. در زمان‌پریدی هم باید نیازش و برآورده کنم... نمی‌تونم نه بگی، بابا خدا یه هفته ما رو تعطیل کرده.. شما هم بذارید ما یه هفته تعطیل باشیم.»

۲.۱.۴ نگرانی از قضاوت منفی دیگران

برخی از زنان به دلیل ترس از واکنش مردم نسبت به طلاق و یا ممانعت از الصاق برچسب ناسازگاری، از مطالبه حقوق خود در زندگی زناشویی خودداری می‌کنند تا با طلاق مواجه نشده و یا به عنوان زنی ناسازگار شناخته نشوند.

مصاحبه‌شونده ۱ (۵۹ ساله و سیکل) از تجربه عدم احقاق حقوق عاطفی خود می‌گوید: «خیلی حساس بودم به خانوادم... نگو دختر فلانی این جور بود، حتی از این هم سخت‌تر بود شرایطم، می‌خواستم هیچ‌کس نفهمه. خودم... تحمل کنم.»

گاهی زنان به تنهایی نمی‌توانند حقوق خود را مطالبه کنند و نیاز به مشاوره و کمک دارند. اما قبح اطلاع دیگران از مسائل خصوصی زن و شوهر، موقعیت شوهر و قضاوت نادرست مخاطبدر مورد وی، مانع بهره‌مندی زنان از حمایت بیرونی می‌شود.

مصاحبه‌شونده ۲۹ (۴۷ساله و حوزوی): «من هیچ وقت نرفتم به مشاور بگم که شوهرم روحانیه... برای اینکه مخاطب من چقد باید فرهیخته باشه که اشکالات اخلاقی ایشون و گردن لباسش و دینش نندازه. بگه که این آدم با این کاراکتر این شخصیت و داره. نه اینکه این آدم با این شخصیت اجتماعی و فکری این ویژگی و داره. پس این شخصیت این جوریه هستن... وجهه‌ی اجتماعی خوبی داشت و من چه جوریه این وجهه رو خرابش می‌کردم؟»

۳.۱.۴ اهمیت حفظ محبوبیت نزد شوهر

زنان گاهی به دلیل شناخت همسر و قضاوت و ارزیابی ناعادلانه وی، از بیان منویات خود اجتناب می‌کنند. یعنی برخلاف تمایل قلبی، به گونه‌ای رفتار می‌کنند که محبوبیت خود را نزد شوهر از دست ندهند. اجتناب از قضاوت نادرست شوهر، حفظ صمیمیت و یا کسب احساس مثبت شوهر نسبت به خود، عبارت‌هایی هستند که زنان در توصیف دلایل عدم مطالبه‌گری خویش به کار برده‌اند.

مصاحبه‌شونده ۱۰ (۳۳ساله و دکتری حقوق زن) در مورد نقض حقوق مالی خویش می‌گوید: «مجبوری برای اینکه محبوبیت، شخصیت، جایگاهت و حفظ بکنی نزد شوهرت از یه سری حقوق چشم‌پوشی... من دوست ندارم محبوبیتم و پیش او از دست بدم. من دوست ندارم نزد او یه زن بد اخلاق باشم. یعنی آن پیش‌دواری‌هایی که در مورد زنان شاغل داره با رفتاری من تأیید بشه. پس مجبورم بر خلاف اعتقاد خودم در مورد جدایی حقوق مالی عمل کنم.»

۴.۱.۴ تنش‌گریزی

تنش‌گریزی به عدم بیان نیازها به دلیل نگرانی از تحقیر یا رفتار نامناسب شوهر اشاره دارد. در این شرایط زن از احساسات و خواسته‌هایش چیزی بروز نمی‌دهد تا آرامش موجود حفظ شود. ترس از شوهر، ترس از دعوا و تحقیر، اهمیت و اولویت حفظ آرامش نسبت به احقاق حقوق و... نمونه‌هایی از دلایل زنان برای خودخاموشی است.

مصاحبه شونده ۱۷ (۳۷ ساله و حوزوی) در مورد نقض حق مسکن مستقل و استقلال مالی خویش می‌گوید: «من خیلی دوس ندارم که تو زندگیم تنش باشه. قهر و قهر بازی باشه. دوس دارم که تو زندگیم آرامش باشه. چون که به اندازه ی کافی زندگی کردن با خانواده ی شوهرم برام تنش زا هست. دیگه بین ما دو نفر اینقدر کدورت نباشه..»

مصاحبه شونده ۱۰ (۳۳ ساله و دکتری حقوق زن): درباره نقض حق مشورت خویش می‌گوید: «منی که به بد اخلاقی متهم می‌شم، ده‌جایدیگه‌هم... مجبور هستم که چیزی نگم. برای اینکه بد اخلاق نشم و شخصیتم حفظ بشه. کسی به من نگه که ناقص العقلید، هر کاریت بکنن زن هستی دیگه، می‌دونید بخاطر اینکه چنین چیزایی را به آدم می‌گن و انگ می‌زنن، اونوقت شما مجبور هستی که سکوت بکنی»

اجتناب از ناراحتی شوهر و یا خانواده پدری مصداق دیگری از تنش‌گریزی زن است که نقض حقوق وی را در پی دارد. زیرا زن با دفاع از حق خود، زمینه ناراحتی و بدرفتاری شوهر و یا نگرانی خانواده خود را فراهم می‌کند.

مصاحبه شونده ۱۸ (۳۹ ساله و ارشد مدیریت رسانه) درباره عدم مطالبه‌گری در مواجهه با نقض حقوق خود می‌گوید: «آدم می‌گه که باید ظاهر و نگه دارم تا مامانم آسیب نبینه و خودم آسیب نبینم. مثلاً سر درد نگیرم .. همین جور باید مدارا بکنم»

۲.۴ درماندگی آموخته شده

یکی دیگر از مفاهیم سازنده واقع‌گرایی، درماندگی آموخته شده است. زنان بر اساس تجربیات خود عدم امکان مطالبه حقوق را واقعیتی ثابت و تغییرناپذیر می‌یابند به این دلیل به امکان‌پذیری مطالبه حقوق، باور ندارند و یا در نتیجه تجربه شکست‌های مداوم، خواسته‌ها و نیازهایشان سرکوب شده و اصلاً نیازی احساس نمی‌کنند تا آن را مطالبه نمایند.

۱.۲.۴ باور به عدم امکان مطالبه حقوق

در این شرایط زنان بر اساس تجربیات خود همه راه‌های مطالبه حقوق را مسدود می‌یابند، به این دلیل برای احقاق حقوق تلاشی نکرده و واقعیت موجود را می‌پذیرند. عدم توان مقابله با بی‌وفایی شوهر و احساس ناتوانی زن برای ممانعت از خیانت شوهر، مصداقی از این باور به عدم امکان مطالبه حقوق است.

مصاحبه شونده ۱۷ (۳۷ ساله و حوزوی): «واقعا کاری نمی شه کرد. مرد اگر بخواد بسره می سره و نمی شه نگهش داشت. اگر شما با هزار تا دست هم او رو بگیریش اگر یه جایی بسره، سُریده.»

مصاحبه شونده ۲۶ (۲۹ ساله و سیکل) در مواجهه با نقض حقوق جنسی خود می گوید: «چه کاری از دستم بر می اومد؟»

در موضع ضعف بودن زن و توانایی شوهر در اقناع، نافرجام انگاری حق طلبی، عدم آگاهی از چگونگی مطالبه حقوق و ناآگاهی به ظرافت های زنانه در مطالبه گری، مصادیق دیگری از باور به عدم امکان مطالبه حقوق است که در وجود زنان نهادینه شده است.

مصاحبه شونده ۹ (۳۸ ساله و لیسانس علوم سیاسی) درباره تضييع حق استقلال مالی خود می گوید: «..توان اینکه مثلا بگم که نه، ندارم.. چون یک جور رفتار می کنن که کلا آدم میگه باید بدم دیگه.»

اعتقاد به عدم تغییر آدم ها و باور به عدم کارایی مشاجره، عدم دریافت واکنش مناسب از جانب شوهر در هنگام نیاز، نمونه های دیگری از باور به عدم امکان مطالبه حقوق است که توسط مصاحبه شونده ها ذکر شده است.

مصاحبه شونده ۲۱ (۵۰ ساله و دیپلم) در مورد نقض حق سلامتی خود و اعمال خشونت همسرش می گوید: «(تو دادگاه) گفتن برید پیش روان پزشک و آدرس هم دادن، من نرفتم. چون که درست بشو نیست و نمی شه. آدمی با ۵۲ سال سن دیگه درست نمی شه که.»

مصاحبه شونده ۱۴ (۳۷ ساله و ارشد حقوق): «مثلا من این هفته ... خیلی خانوادگی شوهرم با من بدرفتاری کردن و خیلی برام سخت گذشت... یعنی به طرزبیه خانه اومدم که انگار ده دس کتک خورده بودم.. اینا رو که براش تعریف کردم فقط با این کلمه مواجه شدم که ای بابا. همین. یعنی نهایت همدردیش این بود.»

اعتقاد به عوامل ماورایی، جادو شدن شوهر و خارج از اختیار بودن بسیاری از مسائل، نهایت باور به عدم امکان مطالبه حقوق است که زن را از پیگیری حقوق منصرف میکند.

مصاحبه شونده ۲۲ (۶۳ ساله و دیپلم): «یه روزی من و برد یه جایی توی شاه عبدالعظیم و گفت: آقا سید نمی دونم که با من چه کار کردن. من عاشق زنم هستم... نمی دونم که چه اتفاقی افتاده که می خوام این و بکشم. حالا ممکنه که یه خیانت هایی هم کرده بود اما این

قدر هار نبود...پیش اون خانمه که رفتم گفت: یه نفر که چشمش مثل چشمای گرگه ..توی زندگیت راه افتاده استخوان مرده توی باغچه گذاشتن»

۲.۲.۴ سرکوب شدن احساس نیاز به حقوق

به شرایطی اشاره دارد که در آن شکست زنان در بهره‌مندی از برخی اقسام حقوق، سرکوب نیازها و خواسته‌های آنها را موجب شده است. به گونه‌ای که زنان به طور آگاهانه یا ناآگاهانه، دیگر نیازی احساس نمی‌کنند که برای دستیابی به آن تلاش کنند. به عنوان مثال گاهی بی‌توجهی به حقوق عاطفی و جنسی زن مانند نقض حق سلامتی در مراودات جنسیو .. به سرکوب نیاز جنسی و یا بی‌رغبتی زن به این نوع از روابط منجر شده است.

مصاحبه‌شونده ۱۳ (۴۶ ساله و ارشد روانشناسی): «در کل می‌تونم بگم که آدم سردی هستم از لحاظ جنسی .. شاید هم سرد نباشم و آدم گرمی باشم ولی چون توجه در این زمینه خیلی نشده...در هر صورت انگار آن نیاز سرکوب شده.»

عادی بودن تضییع حقوق و عادت کردن به آن، نمونه دیگری از سرکوب نیازها و خواسته‌های زن است. زیرا عمومیت نقض حقوق در جامعه و تداوم آن، زنان را به پذیرش وضعیت موجود سوق داده، به گونه‌ای که آنها اگرچه قلباً شرایط خود را مطلوب ارزیابی نمی‌کنند، اما به دلیل نداشتن قدرت و یا حوصله جنگیدن، این شرایط را پذیرفته و تظاهر به رضایتمندی دارند.

مصاحبه‌شونده ۲۰ (۳۵ ساله و لیسانس جامعه‌شناسی): «پدرشوهرم پیش من به مادرشوهرم می‌گفت: دهنش و ببند زن، کی با تو حرف می‌زنه؟.. برای خودشون (مادر شوهرم) هم عادی شده بود. یه جورایی تو درونشون نهادینه شده بود که این مردی که الان می‌گه دهنش و ببند او هم دهنش و ببند... نیم ساعت بعد (به پدرشوهرم) می‌گفتند: چایی می‌خوری؟»

به همین ترتیب عدم ترویج پرداخت حقوق مالی زن در جامعه، احساس نیاز به حقوق مادی را در زنان از بین برده، تا جایی که زنان دلیل عدم مطالبه‌ی مهریه، اجرت‌المثل و... را نداشتن نیاز عنوان می‌کنند، در حالی که کافی نبودن نفقه یکی از دلایل توسیع نقش و اشتغال آنها در خارج از خانه بوده است.

مصاحبه‌شونده ۴ (۳۳ ساله و دکتری حقوق زن): در مورد دلیل عدم مطالبه مهر می‌گوید: «نیاز ندارم می‌خوام چکارش کنم.»

در حالی که همین مصاحبه شونده در مواجهه با عدم تقبل هزینه های زندگی توسط شوهر می گوید: «از کارت خودم خرج می کنم. حتی یک بار با خودم گفتم - من اگر خانه دار بودم و منبع درآمدی نداشتم آن وقت چه کار می کردم؟»

۳.۴ زنانگی فرا شرعی

این مفهوم به وضعیتی اشاره دارد که در آن زنان به چهارچوب شرع پایبند نبوده و در طول زندگی، به وظایفی کمتر یا بیشتر از آنچه که مد نظر شارع است، می پردازند. زنان در فرایند اجتماعی شدن، به گونه ای جامعه پذیر می شوند که از وظایف شرعی خود آگاهی نمی یابند، در نتیجه انجام کارهای خانه را مقدم بر تأمین نیازهای جنسی شوهر و تمکین وی می دانند. به این دلیل گاهی با وجود پذیرش مسئولیت های متعدد در زندگی زناشویی، در زمینه وفاداری شوهر با نقض حقوق مواجه شده و شکست را تجربه می کنند. این در حالی است که در شرایط فعلی زنان می توانند از طرق مختلف، وظایف خود را بیاموزند، اما واقع گرایی و اعتقاد به تغییر ناپذیری واقعیت موجود و یا دین گریزی و ترس از تکالیف شرعی، مانع تلاش زنان در پذیرش مسئولیت های مد نظر شارع در زندگی زناشویی شده است.

۱.۳.۴ نقض حقوق به دلیل فرار یا کوتاهی در انجام تکالیف

زنان گاهی به طور آگاهانه و یا ناآگاهانه شرایطی را ایجاد می کنند که حقوق آنها نقض می شود. به این صورت که به دلیل فرار از برخی قیود شرعی مانند حجاب، به مسائل دیگر دین هم نمی پردازند زیرا نگرانند که در صورت مطالبه حقوق شرعی خود از جانب شوهر، به داشتن حجاب اجبار شوند. از طرفی گاهی زنان به دلیل مهاجرت و یا ناراحتی از شوهر و ... در ایفای تکالیف خود در ارتباط با تمکین خاص شوهر کوتاهی کرده و زمینه نقض حقوق خود و مواجهه با خیانت شوهر را فراهم می کنند.

مصاحبه شونده ۲۰ (۳۵ ساله و لیسانس جامعه شناسی) در مورد نقض حق وفاداری خود می گوید: «با خانوادش زیاد خوب نبودم... از دستشون فرار کردم، فکر کرده بودم که اگه خیانت کرد چی کار کنم اما دیگه برام مهم نبود... وقتی که دور شدم کلاً قدر زن و زندگی و بیشتر می دونست. هر دفعه می اومد... می گفت که کاش با هم باشیم ولی تو ترکیه باشیم... من یه سال و نیم.. از او دور بودم.. وفادار بود... یه باره این جور می شد.»

مصاحبه شونده ۲۷ (۳۳ ساله و دکتری حقوق) از تجربه نقض حق وفاداری خود می‌گوید: «اهل صیغه هستم.. اهل نه گفتن نیستم. ولی خب چرا دیگه بعد از یک موقعی منم یه کارایی که تو رابطه ی جنسی می‌کردم و کنار گذاشتم و دیگه بدم می‌یاد و نمی‌خوام.... او هم لج کرد دیگه و شاید بعد از آن برای من روشن شد که چه رابطه یی داره».

به همین نحو کوتاهی در ایفای وظایف به دلیل عدم تجربه، ناآشنایی با وظایف و یا نوع تربیت و خصوصیات اخلاقی از یک سو و کوچک‌انگاری مشکلات و یا نداشتن مهارت چگونگی مواجهه با روحيات و خلیقات خاص شوهر از سوی دیگر، تضییع حقوق زن را به دنبال داشته است.

مصاحبه شونده ۲۹ (۴۷ ساله و حوزوی) در مورد پناهندگی شوهر و رهاشدگی خود و فرندانش می‌گوید: «اگه هشیارتر بودم می‌تونستم او رو بیشتر جلب کنم... نفهمیدم که سرطان داره و فکر کردم که تب کرده... اگر مرد من سرطان داشته باشه چقدر تلاش می‌کنم؟... متتها برای سرطان معنوی و فکری اصلاً تلاش نمی‌کنیم و اولین راه .. جداییه... هنوز خودم احساس می‌کنم که باید تلاشم و بیشتر می‌کردم».

۲.۳.۴ توسعه نقش زنانگی و تداوم تضییع حقوق

یکی دیگر از مصادیق زنانگی فرا شرعی، توسعه نقش زنانگی است. بسیاری از زنان در مواجهه با مشکلات اقتصادی، هنجارهای اجتماعی، علایق شخصی و ... با وسعت بخشیدن به وظایف خود، رنج مضاعفی را متحمل می‌شوند و هم‌زمان مسئولیتهای متعددی را برعهده می‌گیرند. به عنوان مثال مشارکت در تأمین هزینه‌های خانواده و تحمل فشار مضاعف خانه داری، بچه داری و ... یکی از این وظایف فراشرعی است که زنان برای خود ایجاد کرده‌اند.

مصاحبه شونده ۲۷ (۳۳ ساله و دکتری حقوق): «بعضی از چیزایی که دوس داشتم خودم خرج کنم، نداشت که بده. یا اولویت من با اولویت اون فرق داشت... رسید به مهد کودک رفتن بچه‌ها... فکر می‌کردم که این کلاسا برای اونا لازمه و او هم نداشت که بده... که من دیگه تصمیم گرفتم سرکار برم و پولی فراهم کنم که بتونم خرج کلاس رفتن بچه‌ها رو بدم...»

۳.۳.۴ اهمیت خانه داری برای زنها

زنان گاهی به دلیل پنداشت های ذهنی خود و گاهی به دلیل پاداش ها و تنبیه هایی که از زنان دیگر دریافت می کنند بیش از حد درگیر خانه داری و ... می شوند. به عنوان مثال غلبه تفکرات قالبی ذهنی درباره زنانگی و کمال طلبی زن منجر به سرویس دهی فزاینده به شوهر می شود. تاجایی که شوهر به دلیل گستردگی خدمات بدعادت شده و زن دیگر نمی تواند رویه خود را تغییر دهد.

مصاحبه شونده ۹ (۳۸ساله و لیسانس علوم سیاسی): «تا چن وقت حتی خرید کردن، بچه رو ببرم، بیارم... می گفتم خب سر کاره تایمش و نداره... ولی خب دیگه یه ماشین شستن و اینا بود که قبلا ها انجام می دادم دیگه الانسعی کردماون وانجامدم... احساس می کنم حالا از اول چون عادت دادم... نمی تونه.»

مصاحبه شونده ۱۵ (۳۲ ساله و ارشد ارتباطات): «یه وقت می گم که وای من خوب شدم. کیک درست بکن فلان درست بکن.. بعد احساس کرد که خب من انجام دادم اینا رو... و الانیه ذره سخت و بد عادت شده..»

نظارت و قضاوت زنان دیگر در مورد خانه داری زن، احساس فشار در وی و بالارفتن توقع شوهر را به دنبال دارد. به همین نحو وظیفه انگاری خانه داری و یا علاقه مندی به شیردهی و رسیدگی به خانواده، مانع مطالبه حق اجرت المثل و اجرت رضاع توسط زنان می شود.

مصاحبه شونده ۲۷ (۳۳ ساله و دکتری حقوق) در مورد نقض حق اجرت شیردهی خود می گوید: «خودم دوس داشتم که بچه شیر بدم . همیشه این جوریه دیگه خودت دوست داری که غذا درست بکنی تا او بخوره، دوست داری که کیک درست بکنی که او بخوره»

۴.۳.۴ غلبه احساس بر تعقل و مشارکت زنان در تضييع حقوق

چهارمین و یا آخرین مصداق زنانگی فرا شرعی، غلبه احساس بر تعقل و مشارکت زنان در تضييع حقوق خود است. زن ها به دلیل علاقه مندی به شوهر، گاهی ذمه وی را از دیون مادی مانند مهریه و ... بری می کنند و یا از تحمیل و مطالبه امور فراتر از توانایی شوهر خودداری می کنند.

مصاحبه شونده ۲۶ (۲۹ساله و سیکل): «همون موقع کلا لفظی مهریه رو به او حلال کردم.. از دوس داشتن زیاد بود.»

مشارکت زنان در امور اقتصادی خانواده به صورت هزینه کردن ارثیه پدری، هدایا یا پس انداز، مصداق دیگری از مباشرت احساسی زنان در تضييع حقوق خویش است که زنان مصاحبه شونده با عبارتهایی مانند دلسوزی، حماقت، کمبود عقل، حساب و کتاب نداشتن با شوهر و ... آن را توصیف کرده اند.

مصاحبه شونده ۳ (۳۷ ساله و دیپلم) در مورد نقض حق استقلال مالی خود می‌گوید: «همه را در خانه خرج میکنم عین احمق‌ها»

مصاحبه شونده ۲۱ (۵۰ ساله و دیپلم): «احمق بودم دیگه. آدم وقتی که بیش از حد دلش برای دیگران بسوزه همین می‌شه دیگه»

۴.۴ خانواده مداری

خانواده مداری، یکی دیگر از مفاهیم سازنده واقع‌گرایی است. در بستر فرهنگی ای که خانواده جایگاه بالایی داشته و از ارج و قرب بسیار برخوردار است و هویت زن با نقش مادری و همسری آمیخته شده، زنان علاوه بر نیازهای طبیعی، به منظور بهره‌مندی و یا حفظ جایگاه اجتماعی مطلوب، ناچار از داشتن نقش همسری و مادری هستند. به این دلیل گاهی براساس احساسات و گاهی بر اساس عقلانیت، از منافع مطالبه حقوق چشم‌پوشی می‌کنند تا از مواهب داشتن خانواده بهره‌مند شوند. مولفه‌های سازنده این تم عبارتند از:

۱.۴.۴ ارزشمندی ازدواج و تداوم زندگی زناشویی نسبت به احقاق حقوق

قیح نداشتن شوهر و عبارت‌های کلیشه‌ای رایجی که در مورد دختران ازدواج نکرده به کار برده می‌شود و همچنین مشکلات زنان مطلقه در جامعه، نمونه‌ای از فشارهای فرهنگی است که زنان را به سمت خانواده مداری سوق می‌دهد. مشروط شدن موفقیت زن به ازدواج و داشتن خانواده، واقعیتی است که زنان در مواجهه با آن، عبور از حقوق را انتخاب کرده و برای شروع و تداوم زندگی، از خودگذشتگی بیشتری نشان می‌دهند. تا جایی که در مواجهه با نقض حقوق، با تظاهر به بی‌خبری، آگاهانه از حقوق خویشمی‌گذرند.

مصاحبه شونده ۲۷ (۳۳ ساله و دکتری حقوق) درباره مدارا با نقض حق وفاداری خویش می‌گوید: «برای چه به روش بیارم؟ آگه بیارم که باید به هم بزوم... بیارم که شأن خودم و پایین می‌بارم، خیلی خاک بر سر می‌شم اگر به روش بیارم و بمونم.. سعی می‌کنم

که یه جور دیگه خودم و مشغول کنم... یا باید برم که فکر می‌کنم بودن بهتر از این نبوده.. چون شأن اجتماعی تو خیلی بالاتره... مثلاً جلوی فامیل سربلند تری تا آن وقتی که مثلاً تو مطلقه باشی»

۲.۴.۴ ارزشمندی حس مادری بر مطالبه حقوق

نقش مادری با ساختار فیزیولوژیک زن هماهنگ بوده و از حیث شرعی نیز جایگاه بالایی دارد، به طوری که زنان مصاحبه‌شونده بیش از هر چیز، وجود فرزندان را مانع مطالبه حقوق خویش دانسته‌اند. ارزشمندی لذت مادری بر احقاق حقوق، اهمیت تربیت فرزند بر نیازهای شخصی و ... تعابیر مختلفی است که زنان در این رابطه به کار برده‌اند.

مصاحبه‌شونده ۲ (۶۳ ساله و ابتدایی) از تجربه خود در مواجهه با اعتیاد شوهر می‌گوید: «برادرم گفت جدا شو.. گفتم نه، من بچه دارم این پدر بچه‌هامه. من آگه نباشم بچه‌ام جوونه می‌بینه که من نیستم پدرش هم که اعتیاد داره برمی‌گرده و می‌ره به دنبال هزار جور کار خلاف. بخاطر بچه‌هام من هیچ موقع این کار و نمی‌کنم.»

مصاحبه‌شونده ۲۶ (۲۹ ساله و سیکل) در مورد نقض حق سلامتی و تحمل خشونت شوهر می‌گوید: «بچه‌ها که به زندگی می‌یاد زن خیلی با گذشت می‌شه و به خاطر بچه باید بسوزه و بسازه..... گفتم می‌رم و روزی یه بار هم کتک می‌خورم ولی به بچه‌هام می‌رسم...»

گذشتن از حقوق خود در امر اشتغال، ادامه تحصیل و ... نمونه‌هایی از اهمیت وجود فرزند برای مادر است که مانع احقاق حقوق وی می‌شود.

مصاحبه‌شونده ۲۵ (۲۹ ساله و ارشد عمران) درباره تضییع حق ادامه تحصیل و اشتغال خود می‌گوید: «(شوهرم) گفت که بچه دار نشیم و تا دکترای بخون. من گفتم نه می‌ترسم بچه دار نشیم... دو سه بار خودم هم خواستم برم (سرکار)... و حتی تا مهد کودک هم رفتم و امتحان کردم ولی.. پیشمون شدم و برگشتم... خودم دلم نیامد... نهایت آرزوی یه مادر بچه هاش هستن دیگه. هرچه قدر که موفق باشی نهایت آرزوت اینه که بچه‌ها موفق باشن»
تثبیت جایگاه پدر و حفظ مردانگی شوهر در تأمین مخارج فرزندان و چشم پوشی زن از نیازهای خویش، مسئله دیگری است که زنان آگاهانه و به منظور بهره‌مندی فرزندان از تربیت مناسب، به آن تن می‌دهند.

نقض حقوق زن در نقش همسری: مواجهه واقع‌گرایانه زنان با ... ۱۳۱

مصاحبه شونده ۲۷ (۳۳ ساله و دکتری حقوق): «می‌خواستم که او بده که مردونگیش به خاطر بچه‌ها حفظ بشه... آگه مرد باشه برای بچه‌ها بهتره»

۳.۴.۴ ارزشمندی وجود شوهر و حمایت‌های وی برای زن

تجربیات زنان نشان می‌دهد وجود شوهر و حمایت‌های وی برای عده‌ای از آنها بسیار ارزشمند است. به گونه‌ای که به دلیل عدم اطمینان از تداوم حضور شوهر و حمایت‌های وی، از مطالبه حقوق خودداری می‌کنند تا با از دست دادن شوهر مواجه نشوند. اضطراب رجوع شوهر به زن اول، اضطراب مواجهه با پیامدهای ناشی از فشار اقتصادی به شوهر مانند اعتیاد، کارخلاف، بیماری و .. نمونه‌ای از نگرانی‌های زنان است که مانع مطالبه‌گری آنها می‌شود.

مصاحبه شونده ۱۲ (۳۸ ساله و سیکل) درباره نقض حق سلامتی خود در هنگام بیماری مقاربتی شوهر می‌گوید: «مخالفت نکردم و خودم هم گرفتم و به دکتر رفتم ... آگه گوش ندیم می‌ره پیش زن اولش»

مصاحبه شونده ۷ (۳۲ ساله و لیسانس مدیریت): «می‌دونی وقتی ما (از حقوقمون) می‌گیم چی می‌گن؟ ... می‌گن: خیلی خب فلان قانون و هم ما داریم... فوری هم می‌رن سراغ چهار تا زن... می‌گن چون زن ما الان نمی‌تونه پس شرع به ما اجازه داده که ما بریم و یه زن دیگه بگیریم... نه تو کار خونه تو همه چیز. اگر تو سکس نمی‌تونه ما رو تأمین کنه بریم دنبال کسدیگه»

علاقه مندی به شوهر، اهمیت برخوردار بودن از حمایت عاطفی شوهر و ... مواردی است که مانع مطالبه‌گری زنان شده است.

مصاحبه شونده ۱۵ (۳۲ ساله و ارشد ارتباطات): «چون دوش دارم ناراحتش هستم و دوش ندارم و رای ظرفیت و توان خودش کار بکنه. خب آدمیزاده. گناه داره دیگه، نشسته اینجا ولی له. بگم بیا برای من ظرف بشور... من هم هی از حقوقم پایین می‌ام.»

۵.۴ اخلاق مداری

برخی از زنان در مواجهه با واقعیت پایدار و تغییرناپذیر موجود، به دلیل غلبه رویکرد اخلاقی، عامدانه و مشتاقانه از حقوق خود عبور کرده و رضایتمندی توأم با آرامش حاصل

از این گذشت و یا شوق رستگاری در جهان آخرت را بر احقاق حقوق خود ترجیح می دهند. مولفه های سازنده این مفهوم عبارتند از:

۱.۵.۴ عدم نگرش حقوقی به زندگی

برخی از زنان به دلیل ارزشمندی اخلاقیات، از احسان و فداکاری بیش از احقاق حقوق آرامش می یابند و یا به دلیل قناعت ورزی و عدم مادی گرایی، از تأمین حقوق مادی لذت نمی برند. در نتیجه از همسر خود مطالبه ای نداشته و بدون ناراحتی از نقض حقوق، وی را در این مسیر همراهی می کنند. غلبه رویکرد احسان و عشق در خانواده، غلبه نگاه تساوی گرانه بر نگاه حقوقی، اعتقاد به ساده زیستی، قانع بودن ذاتی و اهمیت نداشتن مادیات برای زن و ... بیانگر جایگاه خاص اخلاق در روابط این زنان است که مانع مطالبه حقوق حتی در هنگام جدایی و طلاق می شود.

مصاحبه شونده ۱۶ (۴۶ساله و دکتری ارتباطات) درباره عدم مطالبه حقوق مادی خود می گوید: «وقتی کهما از هم جدا شدیم حتی ماشین هم که داشتیم به اسم من بود، ولی چون نصف پولش و تقریباً ایشون داده بود... ماشین و من برداشتم.. ولی نصف پول ماشین و خودم به ایشون دادم آن هم به قیمت روز ... با اینکه مهریه م و هم قبلاً بخشیده بودم... چون دوستانه جدا شدیم چیزی نگه نداشتیم ... من فکر کردم که همین قدر که من انتخاب نادرستی کردم، او هم انتخاب نادرستی کرده...»

رعایت و درک شرایط شغلی و مالی شوهر، اهمیت حفظ حرمت ها، ارزشمندی و اهمیت وجود صداقت در زندگی زناشویی، مسئله اخلاقی دیگری است که زنان را از مطالبه حقوق منع می کند.

مصاحبه شونده ۳ (۳۷ ساله و دیپلم) در مورد استفاده از پس انداز شخصی خود در زندگی می گوید: «حالا حقوقش و نگرفته. چه کار کنم؟ بگم برو قرض کن بده من برم چیزی بخرم. یا باید دروغ بگم که این پول و قرض کردم که این درست نیست... چه کاریه... دزدی که نمیخوایم بکنیم او هم میاره اینجا دیگه.»

۲.۵.۴ داشتن وجدان اخلاقی

مواجهه با رفتار کریمانه همسر و مشاهده تلاش های وی برای آسایش خانواده منجر به از خودگذشتگی زنان در زندگی زناشویی می شود. به عنوان مثال نداشتن رویکرد مطالبه گرانه

هنگام جدایی به دلیل بدجنس نبودن شوهر، مواجهه با کوتاه آمدن شوهر از بعضی حقوق خود و یاتأمین نیازهای اساسی و عدم احساس نیاز به حقوق مادی، زن را بهگذشت از حقوق خود در زندگی زناشویی وا می‌دارد.

مصاحبه شونده ۱۵ (۳۲ ساله و ارشد ارتباطات): «فشاری که به خودم می‌یازم به خاطر همین روحیاتشه. چون میبینم نه آدم زیاده خواهیه، نه آدمیه که غر بزنه... یعنی دیوونه می‌کنه آدم و. خب آدم می‌گه که اینا رو من دیگه بخشیدم به این»

مصاحبه شونده ۶ (۴۱ ساله و پزشک): «الآن مثلاً ۱۲ ساله که دارم کار می‌کنم ولی تقریباً بعد از سه سال می‌افته به درآمد... خب همه‌ی اون (اجاره مطب) و خودش تقبل می‌کرد. همه رو می‌داد... آدم باید به طرف مقابلش هم احترام بذاره»

گاهی نیز وجدان اخلاقی، بدون مشاهده رفتاری خاص از همسر، زن را به مشارکت در تضييع حقوق خود سوق می‌دهد. به عنوان مثال زنی که اوقاتی از روز را به کار اشتغال دارد برای جبران ساعات عدم حضور در خانه، در هزینه‌های زندگی مشارکت می‌کند تا عذاب وجدان ناشی از کوتاهی در امور خانه داری را جبران نماید.

مصاحبه شونده ۱۱ (۶۰ ساله و دکتری فقه و حقوق): «بینید یه خانم درسته که وظیفه‌ش نیست ولی ساعاتی که بیرون از خونه هست و همسرش این امکان و برایش می‌ده که بیرون بره و اون ساعاتی که باید تو خونه باشد دنبال ارتقاء خودش و اهدافش می‌گرده، این زن باید این میزان وجدان داشته باشه»

۳.۵.۴ آخرت‌گرایی

زنانی که از جهان بینی الهی برخوردار بوده و اهمیت بیشتری به مسائل شرعی می‌دهند به امید بهره‌مندی از مواهب اخروی، با ایثار و فداکاری زمینه تضييع حقوق خویش را فراهم می‌کنند. به عنوان مثال بخشش مهریه با هدف جلب رضایت خداوند نمونه‌ای از آخرت‌گرایی زنان است.

مصاحبه شونده ۶ (۴۱ ساله و پزشک): «.. شنیده بودم .. موقع عقد اگر زنی بداند که مثلاً شوهرش توانایی پرداخت مهریه را ندارد .. خطبه‌ی اینها باطل است... وقتی که داشتن خطبه‌ی عقد و می‌خوندن.. گفتم وای خدا.. من مهریه ام و بخشیدم. در دلم ها.. چون من می‌دونستم نداره که بده. ۵۰۰ تا سکه رو چه کسی اول زندگیش داره»

اهمیت شرعی اطاعت پذیری زن، اهمیت کسب رضایت شوهر نزد خداوند، به تقویت حس مسئولیت پذیری در مقابل مطالبه گری می انجامد. در نتیجه زن با گذشت و عدم تکلیف مالایطاق بر شوهر، به منظور رهایی از عذاب الهی از حقوق خود می گذرد. مصاحبه شونده ۱۰ (۳۳ ساله و دکتری حقوق زن): «وقتی می‌گن که نزد خداوند هیچ شفیعی کارسازتر از رضایت همسر نیست، شما هی این باج سبیل و می دی برای اون شفاعت و برای اون رضایت و همیشه می خواهی که اخلاقی عمل کنی»

۵. نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین اینکه زنان در حیطه نقش همسری، ناهمسازی میان الزامات عرفی و حقوق شرعی را چگونه مدیریت می کنند؟ با روش تحلیل تماتیک انجام شده است. به این منظور با تعدادی از زنان ساکن استان تهران، مصاحبه و صحبت‌های مشارکت کنندگان در سه مرحله کدگذاری و تلخیص گردید. در نهایت پنج تم محوری خودخاموشی، درماندگی آموخته شده، زنانگی فراشرعی، خانواده مداری و اخلاق مداریه دست آمد که چگونگی مواجهه زنان با ناهمسازی میان الزامات عرفی و حقوق شرعی را تبیین می کند. ویژگی مشترک این پنج مقوله عبارتست از پذیرش شرایط موجود توسط زنان و عدم تلاش برای تغییر وضعیت و بهره مندی از حقوق. یعنی زنان با تغییر رفتار و یا نگرش خود در ارتباط با حقوق زن، رویکردی سازشکارانه نسبت به واقعیت موجود اتخاذ می کنند. به طوری که می توان گفت واقع گرایی در زنان یکی از دلایل نقض حقوق آنها است. به این صورت که زن دارای بینش واقع گرا، با اصالت قائل شدن برای واقعیت خارجی، آن را غیر قابل تغییر ارزیابی می کند و با پایبندی به ادراک خویش از واقعیت، برای اجتناب از آن تلاشی از خود نشان نمی دهد. در نتیجه مشارکت در نقض حقوق خویش، به عمومیت و تداوم تضييع حقوق زن در خانواده کمک می کند.

به نظر می رسد در فرایند جامعه پذیری، ناپسندی و مذمومیت ویژگی های مطالبه گری، حق طلبی و انعطاف ناپذیری به گونه ای در زنان درونی می شود که آنها به منظور بهره مندی از جایگاه زن نجیب و سازشکار، به خود خاموشی و تغییر رفتار خویش مبادرت می ورزند. به این صورت که تأییدات مثبت دیگران را مهمتر از مطالبه حقوق ارزیابی کرده و علی رغم آگاهی از نیاز و خواسته های درونی، با خاموش کردن خود، به شرایط موجود تن می دهند. به طوری که به دلیل نداشتن روحیه مطالبه گری، تنش گریزی،

اهمیت حفظ محبوبیت نزد شوهر و نگرانی از قضاوت منفی دیگران از مطالبه حقوق خویش خودداری می‌کنند.

ویژگی دیگر زنان که مشارکت آنها در تضييع حقوق را به دنبال دارد، خصلت درماندگی آموخته شده است. زنان براساس تجربیات گذشته مبنی بر بی نتیجه بودن مطالبه‌گری، به این باور رسیده‌اند که احقاق حقوق آنها امکان‌پذیر نیست و از آنجا که تلاش آنها برای حق طلبی همیشه با شکست مواجه شده، احساس نیاز به حقوق نیز در وجودشان سرکوب شده است. در نتیجه کمبود و نیازی برای مطالبه احساس نمی‌کنند و درکی از تضييع حقوق خویش ندارند.

علاوه بر این گاهی زنان، به دلیل عدم آگاهی از وظایف شرعی خود و یا به دلیل فرار از موانع شرعی ناشی از حقوق شناخته شده شوهر، به زنانگی فراشرعی فارغ از چهارچوب دین روی می‌آورند. یعنی با فرار یا کوتاهی در انجام تکالیف، شرایطی را فراهم می‌کنند که در آن، شوهر برای احقاق حقوق خود ناچار از نقض حقوق زن می‌شود، مانند عدم تمکین زن و خیانت شوهر. از طرف دیگر به دلیل آموزه‌های فرهنگی و انتظارات نقش، از طریق توسعه نقش زنانگی و اهمیت بخشی به خانه‌داری، در تضييع حقوق خویش مشارکت می‌کنند. به این صورت که با مشارکت در تأمین اقتصاد خانواده (نفقه) متحمل فشار مضاعف خانه‌داری، اشتغال و ... می‌شوند.

به همین نحو، ادراک غیر قابل تغییر بودن واقعیت بیرونی از یک سو و درونی شدن ارزش‌های فرهنگی از سوی دیگر، زنان را به خانواده‌مداری سوق می‌دهد. زیرا در فرهنگ مرد محور که سبک زندگی زنان تحت تأثیر نگرش مردان شکل می‌یابد، فرار از انگ‌ها و برچسب‌های نامناسب جامعه به زن مجرد، مطلقه، بیوه یا مادر بدون فرزند، زنان را به تشکیل و حفظ خانواده به هر شکل ممکن سوق می‌دهد. تا جایی که به منظور تجربه‌ی خوشبختی تعریف شده به وسیله جامعه، با ارزش‌های موجود، هم‌نوایی کرده و از مطالبه حقوق خویش خودداری می‌کنند. یعنی زنانه بهانه ارزشمندی ازدواج و تداوم زندگی زناشویی، ارزشمندی حس مادری، ارزشمندی وجود شوهر و حمایت‌های وی، از مطالبه حقوق امتناع کرده و تداوم حیات خانواده را بسیار مهم‌تر از تداوم حیات حقوقی خود ارزیابی می‌کنند.

در نهایت روحیه اخلاق‌مداری، از بعدی دیگر زنان را به هم‌نوایی با واقعیت موجود سوق می‌دهد. زنانی که ثبات و پایداری شرایط موجود را پذیرفته‌اند، برای بهره‌مندی از

پاداش اخروی، با استفاده از وجدان اخلاقی، آخرت گرایی و عدم نگرش حقوقی به زندگیاز حقوق خویش با طیب خاطر می گذرند تا از مواهب آرامش جاودان اخروی بهره مند شوند. به این دلیل بدون احساس نارضایتی، از نقض حقوق خویش استقبال می کنند.

البته در این میان نباید از دلایل ایثار و از خودگذشتگی زنان غفلت کرد. زیرا برخی از زنان به دلیل مواجهه با رفتار کریمانه شوهر، وی را لایق از خود گذشتگی و فداکاری می بینند و در مقابل بزرگواری شوهر، از حقوق خویش می گذرند تا محبت های وی را جبران کنند. به طوری که نمی توان ادعا کرد تزییع حقوق زن همیشه با از خودگذشتگی وی و احقاق حقوق مرد همراه بوده است. زیرا همان طور که ملاحظه شد برخی از زنان در مقابل عدم تأمین حقوق شوهر، متقابلاً از مطالبه حقوق خویش می گذرند. به این دلیل علی رغم نقض حقوق، احساس خوبی نسبت به همسر و زندگی زناشویی دارند.

در هر حال بر اساس یافته های این پژوهش زنان با وجود آگاهی از برخی مصادیق شناخته شده ی حقوق خویش، برای مطالبه آن اقدامی نمی کنند. زیرا هزینه های مطالبه گری (روحي - خانوادگی و اجتماعی) را بیش از فواید آن ارزیابی می کنند. مسئله ای که در تحقیقات مرتبط با حقوق زن، مغفول مانده است. براین اساس لازم است با اصلاح بسترهای فرهنگی و ارتقاء سطح آگاهی جامعه، به احیاء موازین شرعی حقوق زن در جامعه پرداخت تا با اصلاح هنجارهای عرفی از بدبینی زنان به دین اسلام و کج فهمی دلایل تزییع حقوق زن ممانعت به عمل آورد. ضمن اینکه از طریق رشد و تعالی جایگاه زن در خانواده، مانع گسترش طلاق عاطفی و افزایش نارضایتی زنان از زندگی زناشویی شد. به علاوه از آنجا که آمار موجود درباره تزییع حقوق زن بیشتر به حقوق اجتماعی زن (حق اشتغال، آموزش و ...) پرداخته و در حیطه روابط زناشویی، تنها مسئله خشونت علیه زنان مورد توجه قرار گرفته، نمی توان بر اساس مطالعات کمی موجود، اقدامات راهبردی به منظور احقاق حقوق زن در نقش همسری را در دستور کار قرار داد. لذا پیشنهاد می شود بر اساس نتایج مقاله حاضر، پژوهشهاییدر زمینه عوامل موثر بر تزییع حقوق زن در نقش همسری به صورت کمی انجام گیرد تا ضمن شناسایی عوامل مختلف تزییع کننده حقوق زن و میزان اهمیت هر یک از آنها، برنامه هایی برای اصلاح وضعیت موجود ارائه نمود. به این صورت که اگر نقش زنان در نقض حقوق خویشییش از مردان است، آموزش زنان و حق طلبی آنها در دستور کار قرار گیرد و یا برعکس. همچنین انجام پژوهش کمی بر اساس تم های پنج گانه حاصل از این مقاله و تعیین درصد هر یک از تم های

نقض حقوق زن در نقش همسری: مواجهه واقع‌گرایانه زنان با ... ۱۳۷

خودخاموشی، درماندگی آموخته شده، زنانگی فراشرعی، خانواده مداری و اخلاق مداری در عدم مطالبه گری زن ها می تواند به ارائه راهکارهایی به منظور تغییر نگرش زنان و ارتقاء جایگاه آنها در خانواده بینجامد. به این ترتیب پژوهش حاضر که پژوهشی اکتشافی در ارتباط با وضعیت واقعی حقوق زن در جامعه است، می تواند بسترساز انجام پروژه های تحقیقاتی دیگر و احقاق حقوق شرعی زن در زندگی زناشویی باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی: «همین که نکاح بطور صحت واقع شد روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل همدیگر برقرار می شود.»
۲. حق قسم با هدف ایجاد انس بین زوجین و برطرف کردن دغدغه روحی زن توسط مرد، جزو حقوق واجب زن است که مرد هر چهار شب یک بار ملزم به انجام آن می شود. (عاملی، ۱۳۸۷: ۱۰/۱۱۵-۱۱۷)
۳. مرد هنگام جماع بدون رضایت همسر خود نمی تواند عزل کند و جلوی بارداری زن را بگیرد و اگر بدون رضایت همسر عزل کرد باید تا ده دینار به عنوان دیه نطفه به زن بدهد. (همان: ۹/۳۳-۳۲)
۴. اصل عدم ولایت (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲: ۲۰۷) اصل مساوات و برابری، اصل خصوصی بودن حریم خانواده، تقدم اخلاق بر حقوق، مکمل بودن، تعاون، معاشرت به معروف، تناسب حق و مسئولیت... (مصباح یزدی، ۱۳۷۸؛ حکمت نیا و دیگران، ۱۳۸۸)
۵. قاعده شروط، تسلیط، لاضرر، عسر و حرج، ولایت حاکم بر ممتنع، رضاع، فراش و ... (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۹) (محقق داماد، ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹)
۶. تنوری هایی که در حوزه بررسی، مورد استفاده مکرر قرار گرفته و رسمیت یافته اند.
۷. جمع آوری داده ها بر اساس مفاهیم (کوربین و اشتراوس، ۱۳۹۶)

کتاب‌نامه

- اشتراوس، آنسلم؛ کوربین، جولیت (۱۳۹۲). مبانی پژوهش کیفی (فنون و مراحل تولید نظریه زمینه ای). ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- حکمت نیا، محمود؛ پیوندی، غلام رضا؛ حاجی ده آبادی، احمد؛ محمدی، علی؛ هدایت نیا، فرج الله (۱۳۸۸). فلسفه حقوق خانواده؛ اصول و قواعد. ج ۲، تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۶). *مقدمه عمومی علم حقوق*. تهران: گنج دانش.
رحیمی سجاسی، مریم؛ شاکری گلپایگانی، طوبی؛ کلاتری، عبدالحسین (۱۳۹۸). *نقدی بر رویکرد اقتصاد محور قوانین خانواده: تبیین خلأهای قانونی حقوق انسانی و عاطفی زن*. پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، ۷(۱)، ۳۹-۵۵.

عاملی، زین الدین ابن علی (شهید ثانی) (۱۳۸۷). *شرح لمعه*. ترجمه علی شیروانی و محمد مسعود عباسی، ج ۹-۱۰، قم: موسسه انتشارات دارالعلم.

عبدی، عباس؛ کلهر، سمیرا (۱۳۷۱). *مباحثی در جامعه‌شناسی حقوقی در ایران؛ مطالعه ای پیرامون عوامل موثر بر تضاد واقعیت و حقوق در ایران*. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی (شرکت سهامی).

فلیک، اووه (۱۳۸۸). *درآمدی بر تحقیق کیفی*. ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
قاسمی، وحید؛ عمرانیان، فاطمه (۱۳۹۱). *سنجش آگاهی‌های حقوقی زنان از قوانین خانواده بر اساس فرضیه شکاف آگاهی و اطلاعات (مطالعه موردی دانشجویان دختر دانشگاه اصفهان)*، زن در توسعه و سیاست، ۱۰(۲)، ۱۲۷-۱۴۰.

کلاتتری، مهرداد؛ مولوی، حسین؛ جعفری، داود (۱۳۸۰). *بررسی اثربخشی سازش‌سازیشناختی بر کاهش میزان درماندگی‌مؤخته‌شدگان آموزش‌آموزان شهر همدان*. تازه‌های علوم شناختی، ۳(۴)، ۱۰-۱۵.

کلدی، علیرضا؛ اصل‌زعیم، مهدی (۱۳۸۶). *حقوق و تکالیف زوجین در خانواده ایرانی (مطالعه موردی شهر هشتگرد)*. پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، سال اول، شماره چهارم، ۵-۲۵.

کوربین، جولیت؛ اشتراوس، آنسلم (۱۳۹۶). *اصول تحقیق کیفی شیوه‌ها و رویه‌های توسعه‌گرانداد تئوری*. ترجمه‌نهاد دهقان نیری، علی فخر موحدی، مریم اسماعیلی، تابنده صادقی و زهرا طیبی، تهران: اندیشه رفیع.

گرچی، ابوالقاسم؛ صفائی، سید حسین و دیگران (۱۳۹۲). *بررسی تطبیقی حقوق خانواده*. تهران: دانشگاه تهران.

محمدپور، احمد (۱۳۹۰). *روش تحقیق کیفی ضد روش ۱*. تهران: جامعه‌شناسان.
محمدپور، احمد (۱۳۹۲). *روش تحقیق کیفی ضد روش ۲؛ مراحل و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی*. تهران: جامعه‌شناسان.

محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۸۸). *قواعد فقه بخش مدنی ۲*. چاپ ۹، تهران: نشر سمت.
محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۸۹). *قواعد فقه بخش مدنی (مالکیت، مسئولیت)*. چاپ ۲۵، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

مقصودی، منیژه (۱۳۹۰). *کارکرد قوانین عرفی در ازدواج بین‌ترکمن‌های ایران‌زن در فرهنگ و هنر*، ۲(۴)، ۲۵-۳۹.

موسوی بجنوردی، سید محمد بن حسن (۱۳۷۹). *قواعد فقهیه*. ج ۱، تهران: مؤسسه عروج.

نقض حقوق زن در نقش همسری: مواجهه واقع‌گرایانه زنان با ... ۱۳۹

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۸). *اخلاق در قرآن*. ج ۳، قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
معدلت، پانته آ (۱۳۸۶). عوامل اجتماعی مرتبط با نگرش مردان نسبت به مهریه. پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: گروه مطالعات زنان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
صادقی فسایی، سهیلا (۱۳۹۰). جزوه روش تحقیق کیفی. دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
صفایی، سیدحسین؛ امامی، اسدالله (۱۳۸۹). *مختصر حقوق خانواده*. چاپ ۲. تهران: نشر میزان.
هاگس، مارسیال؛ پترسون، بانیتا؛ برادفورد ترل، جیمز (۱۳۸۸). *هوش هیجانی و رهبری سازمانی*. ترجمه علی محمد گودرزی، تهران: مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی.
کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۳). *دوره حقوق مدنی خانواده، اولاد، روابط پدر و مادر و فرزندان*، نسب، همبستگی خانوادگی و حمایت از کودکان، فرزندخواندگی. چاپ ۲، تهران: شرکت سهامی انتشار.
کاشف الغطاء، جعفر بن خضر (۱۴۲۲). *کشف الغطاء عن مبهمات الشریعه الغراء*. ج ۱، قم: بوستان کتاب.

Gilligan, C. (2010), Preface IN: Jack, Dana C., Alisha A. (2010). *Silencing the Self across Cultures: Depression and Gender in the Social World*. New York: Oxford University Press.
Jack, D.C., Alisha, A. (2010). *Silencing the Self across Cultures: Depression and Gender in the Social World*, New York: Oxford University Press.
Jack, D. C. (2011). Reflections on the Silencing the Self Scale and Its Origins, *Psychology of Women Quarterly*, 35(3): 523-529.
Seligman, M. P. (1975). *Helplessness: On depression, development, and death*. San Francisco: Freeman.
Seligman, M. E. P. (1976). *Learned helplessness and depression in animals and men*. Morristown, N. J: General Learning press.
Ilkcaracan, Pinar. (1998). Exploring the context of women's sexuality in eastern turkey, *Reproductive Health Matters*, 6(12): 66-75.
Yassari, Nadjma. (2002-2003). Iranian Family Law in Theory and Practice, *Yearbook of Islamic and Middle Eastern Law*, (9) : 43-64.
Wolcott, H. (2008). *Writing up qualitative research* (3rd edition). London: Sage Publication.